

کارگران نیشکر هفت تپه در یک وضعیت و مبارزه تاریخی

حمید قربانی

۲۵ مه ۲۰۰۸

کارگران نیشکر هفت تپه از روز ۴ ماه مه، یعنی فقط چند بعد از برگزاری مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر در محوطه کارخانه که یکی از توده ای ترین مراسم های اول ماه مه در دوره اخیر از سوی کارگران در ایران بود، اعتصاب و اعتراض جدید خود را برای رسیدن به خواست های شان شروع نمودند. کارگران این پروژه صنعتی تمامی مراحل از کشت و برداشت نیشکر تا تولید محصول یعنی قند و شکر را انجام می دهند. تا کنون در سال های اخیر هیچ بخشی از طبقه کارگر ایران مانند این کارگران برای رسیدن به خواست های خود که اکثراً پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و امنیت شغلی بوده است، دست به اشکال متفاوت مبارزه نزده و مورد یورش نیروهای سرکوبگر رژیم انسانکش و کارگر ستیز سرمایه اسلامی قرار نگرفته است. ولی در هر دور از مبارزه تسلیم سرکوبگران و زندان و شکنجه نگردیده و در خیلی از موارد مبارزه را ادامه دادند تا به عقب نشینی کارفرما و اعیان و انصارش و دولت حامیشان منجر نموده اند. کارگران هفت تپه در مراسم اول ماه مه و حتی قبل از آن به ایجاد تشکل کارگری (سندیکا) بعنوان یک وسیله مبارزاتی برای رسیدن به خواست هایشان به روشنی و با درایت انگشت گذاشته بودند.

خواست های کارگران در اعتصاب، مبارزات و اعتراضات اخیر شان عبارتند از : پرداخت حقوق معوقه ۲ ماه اخیر، پایان دادن به پرونده سازیها و احضار فعالین کارگری به دادگاه انقلاب، برکناری مدیر عامل شرکت یعقوب شفیعی و همچنین اعضای هیئت مدیره ، برکناری رئیس حراست شرکت، فردی بنام زیوداری که در سرکوب، جاسوسی و پرونده سازی علیه کارگران نقش مستقیم دارد. البته به این خواست های کارگران، خواست آزادی کارگران دستگیر شده در طول مبارزه و همچنین لغو دادگاهی کردن ۵ تن از کارگران که در اعتصابات و اعتراضات سال قبل دستگیر شده اند و یک خبرنگار به جرم انعکاس دادن اخبار اعتصاب کارگران که اکنون در حال محاکمه شدن می باشند، نیز افزوده گردیده اند.

تا کنون کارگران و خانواده ها و مردم زحمتکش و کارگر دوست شوش و روستا های اطراف بزرگترین تظاهرات تاریخی در این شهر و منطقه را سازمان داده اند. اکثر این تظاهرات و اعتراضات مورد هجوم نیروهای سرکوبگر رژیم سرمایه داران ایران از قبیل گارد ویژه ضد شورش، نیروهای اطلاعاتی_ امنیتی و انتظامی در هئیت لباس شخصی و به زبان دیگر نیروهای فاشیستی با انیفورم و یا بی انیفورم قرار گرفته اند. نیروهای سرکوبگر مانند تمامی همقطاران شان در آفریقای جنوبی زمان آپاتاید، اسرائیل ، ترکیه و... با تمام تجهیزات و وسائل ممکنه سرکوب از قبیل باطوم، گاز اشک آور و گاز خردل که گازی خفه کننده است، تیراندازی زمینی و هوایی و حتی راندن خودرو به میان صف کودکان و همسران کارگران و مردم تظاهر کننده استفاده کرده اند. کارگران و یاری کنندگان آنها نیز نظاره گر نبوده بلکه با سنگ و چوب و مشت های آهنین کارگری از خود بدفاع برخاسته و در بسیاری از موارد لباس شخصی های مزدور را گوشمالی حسابی داده اند.

در این مبارزه رویا روی با قدرت سرکوب سرمایه، کارگران شعارهای زیر را فریاد کشیده اند: کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد/ مدعی عدالت خجالت خجالت/ سندیکای کارگری حق مسلم ماست/ کارگر زندانی آزاد باید گردد/ کارگران ایران حمایت حمایت/ پرونده قضائی بسته باید گردد و غیره.

هر چند که مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه نیز عمدتاً مانند مبارزات سایر هم طبقه ای های شان در ایران در شرایط حمله لجام گسیخته سرمایه به سفره های خالی و زندگی شان (که خود را در بیکار سازهای توده ای و نداشتن هیچگونه امنیت شغلی، قراردادهای موقت و سفید امضاء نشان می دهد)، از یک ماهیت تدافعی برخوردار است، یعنی مبارزه ای است برای پرداخت حقوق معوقه و امنیت شغلی و برکناری عوامل تحمیل کننده این شرایط به کارگران، اما این مبارزه از ویژه گیهای بسیاری نیز تا همین الان برخوردار بوده است. این ویژه گیها می توانند هم برای خود این کارگران و هم برای کل طبقه کارگر ایران در صورت جمع بندی و به کارگیری دقیق و منطبق بر شرایط هر تک مبارزه کارگری و توده ای در حال و آینده راهگشا بوده و مبارزه را می تواند یک قدم مهم و بزرگ به جلو براند. ما در این جا به این ویژه گیهای در حد توان اطلاعات خویش اشاره ای می کنیم. کارگران اعتصابی بعد از چند روز اعتصاب و جمع شدن در محیط کار، مبارزه و اعتراض خود را از محل کار خارج کرده و به محیط عمومی و به خیابانهای شهر یعنی به میان توده مردم و به جلوی اماکن دولتی مسئول کشاندند. در این مبارزه تمام اعضای خانواده های کارگری شرکت فعال نمودند. با این عمل نشان دادند که زندگی کل خانواده های کارگری در خطر حتمی است. کارگران با تشریح خواست های خود برای مردم آنها را به یاری و مساعدت فراخواندند. با این عمل توانستند بر تبلیغات مسموم کننده عوامل سرمایه داران چیره شوند. کارگران فقط به یک شکل از مبارزه یعنی اعتصاب اکتفا نکرده بلکه از اشکال متفاوت مبارزه مانند تظاهرات خیابانی، تجمع مقابل ساختمانهای دولتی، تحصن، بستن جاده های عمومی و غیره استفاده کرده و با فریاد کردن خواست های انسانی خود و دادن شعار، اخبار مبارزات خود را در داخل و در سطح بین المللی پخش نمودند. کارگران به این ترتیب از تأثیر سرکوب و ضرب و شتم جانیان سرمایه کاستند و آنها را در مقابل مردم قرار دادند. و به قول معروف دست جنایت کار را در حین جنایت رو کردند. این باعث شد که رژیم جنایتکار قادر به سرکوب و نیز سانسور اخبار مبارزه نگردد. اعتصابیون قهرمان هفت تپه تا کنون مصاحبه های فراوانی در رابطه با مبارزه و خواست هایشان و ماهیت سرکوبگرانه نیروهای آدمکش سرمایه با رسانه های داخلی و خارجی انجام داده اند. کارگران به درستی از مردم زحمتکش شهر و اطراف شوش یاری طلبیده اند. مردم هم تا کنون به این کمک خواهی جواب آری داده و با شرکت و یاری دادن، کارگران را کمک نموده اند تا بتوانند در حکومت نظامی اعلام نشده، مبارزه خود را هر روز با شدت بیشتر ادامه دهند. کارگران معترض و حق طلب هفت تپه به درستی به نیروی طبقاتی خود باور آورده و خود را به مثابه گردانی از ارتش میلیونی کارگران شناخته، سایر مزد بگیران و تولید کنندگان و بویژه کارگران صنایع تعیین کننده مانند نفت و گاز، خودروسازها، پتروشیمی ها و معلمان و دانشجویان را به یاری طلبیده اند. همچنین از نیروی طبقاتی خود در سطح بین المللی نیز غافل نشده و در هر فرصتی که بدست آورده اند از تمام کارگران و سازمانهای کارگری در سطح جهان یاری خواسته اند. کارگران برای رساندن صدای خود به گوش مردم سایر نقاط کشور و بیان خواست های شان تا کنون چندین بار جاده عمومی شوش - اندیمشک و خیابانهای پر رفت و آمد در سطح شهر را بسته اند.

کارگران سایر بخش های صنعتی و خدماتی نیز تا کنون با دادن اعلامیه و بیانیه، و تا اندازه خیلی کمی با شرکت عملی خود، به این خواست انسانی کارگران اعتصابی نیشکر جواب مثبت داده اند. این مراکز عبارت بوده اند از: ایران خودرو، لوله اهواز، نیشکر کارون و اهواز خوزستان و بخشی از کارگران پروژه ای منطقه عسلویه و... همچنین اتحادیه، سندیکاها، کمیته ها و تشکلات کارگری و فعالان جنبش کارگری در داخل نیز با دان بیانیه از خواست کارگران اعتصابی حمایت نموده اند. در سطح بین المللی نیز سازمانها و اتحادیه های کارگری مانند سندیکای کارگری برزیل، اتحادیه ی کارگران مواد غذایی بریتانیا و چندین نفر از مسئولین اتحادیه های کارگری و انسانهای سوسیالیست و کمونیست و مدافع حقوق کارگران در بریتانیا، ایتالیا، پاکستان و غیره تا کنون از مبارزات کارگران نیشکر به دفاع برخاسته و حمله نیروهای وحشی سرمایه به این کارگران و خانواده ها و مردم رامحکوم کرده اند. سازمان ها و احزاب چپ ایرانی در خارج کشور هم با دادن اعلامیه و بیانیه و حتی گذاشتن حرکت

هائی هرچند تا کنون در سطح محدود از حرکت و خواست کارگران اعتصابی بدفاع بر خاسته اند و در رساندن اخبار این مبارزه به گوش جهانیان کوشش نموده اند. همچنین نهادهای فعالین کارگری در خارج کشور که به نهادهای ۱۴ گانه همبستگی و مدافع کارگران ایران معروفند با دادن اطلاعات و اعلام یک هفته از ۳۱ ماه مه تا ۷ جون بنام هفته دفاع از کارگران هفت تپه و برای آزادی کارگران زندانی، خواهند کوشید که با گذاشتن تظاهرات، میتینگ، شب همبستگی حضوری و یا پالتالکی و با هر آن چه که در توان دارند، با یاری خواستن از سایر مدافعان طبقه کارگر ایران و جهان، به یاری کارگران هفت تپه برخیزند.

ولی به نظر می رسد که هم این کارگران و هم یاری دهندگانشان بویژه در داخل به حق و به درستی و با آگاهی طبقاتی به این نتیجه صحیح و به جا رسیده اند که این پشتیبانی ها ی تا کنونی که بیشتر در سطح دادن بیانیه و اعلامیه بوده، هر چند لازم و مفید است، ولیکن کافی نبوده و جوابگوی این مقطع حساس در مبارزه کارگران هفت تپه در برابر کل نیروهای سرمایه از نمایندگان مجلس گرفته تا سرکوبگران و تهی مغزان دولت نظامی- امنیتی اش، نیستند. پس برای عقب راندن نیروهای یورشگر باید حمایت ها، مؤثر و عملی تر گردند. در این رابطه "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل کارگری" در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۳۱ اعلامیه ای با عنوان "حمایت مؤثر از مبارزات جسورانه ی کارگران هفت تپه، گام مهمی است، در جهت ارتقای جنبش کارگری!!!" داده است که در قسمتی از آن چنین آمده است:

"دوستان کارگر و فعالین کارگری!!

اکنون که مبارزات کارگران هفت تپه به مرحله ی حساسی رسیده است، جا دارد که به حمایت های مان شکل عملی تری ببخشیم و از هم طبقه ای هایمان در برابر سرمایه داری دفاع کنیم."

اما اگر در مورد یکی از خواست های کارگران هفت تپه قدری بیشتر حرف زده نشود، هنوز یکی از خصوصیات اصلی این مبارزه بیان نشده است. این خواست که دیگر به مرحله اعلام علنی و تحمیل دو فاکتوی آن به سرمایه داران و اعوان و انصارشان یعنی رژیم رسیده است، خواست ایجاد و رسمیت دادن به تشکل توده ای کارگری در این جا بازگشائی سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه می باشد. پیام اعلام تشکل کارگری (سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه) برای طبقه کارگر و فعالین این طبقه یعنی اینکه هر جا که توانستید و زورتان رسید، بدون یک لحظه تأخیر و اجازه از ارگانی یا کسی تشکل خودتان را برای مبارزه با سرمایه و دولتتش تشکیل دهید. تشکل کارگری فقط و فقط به این نیاز دارد که کارگران در مجمع عمومی شان به آن رأی داده و در روز مبارزه شان بعنوان یک وسیله کاربرد داشته باشد. مگر سرمایه داران در ساختن زندان، برپائی دارهای اعدام و ایجاد نیروهای سرکوبگر جور و اجور وحشی خوئی شان از ما اجازه گرفته اند که ما برای ایجاد وسیله مبارزه مان در برخوردار شدن از یک زندگی انسانی از آنها در خواست اجازه کنیم؟ مشروعیت تشکل طبقاتی کارگری از نقش کارگران در تشکیل آن و وسیله شدن این تشکل برای مبارزه کارگران بر علیه سرمایه داران برای رسیدن به خواست های برحقشان ناشی می شود و نه از اجازه دولت سرمایه داران و کارفرمایان و مدیران سودجو و نوکرشان. تشکل کارگری از نیاز کارگران در مبارزه هر روزه شان با سرمایه و سرمایه داران و عوامل جور و اجور و زالو صفتش در لباس نیروی های سرکوبگر علنی و غیر علنی اش مانند نیروی انتظامی، پاسدار، اطلاعاتی- امنیتی، قوه قضائی، زندان و شکنجه، مدیر، آخوند پرگو و تبلیغات زهر آگینش، رسانه های ارتباط جمعی و مجالس قانونگزارش و برای ربط دادن مبارزات گوناگون و پراکنده به یکدیگر و به پشتیبانی فراخواندن کارگران از مبارزات یکدیگر منشاء می گیرد. باید امیدوار بود که کارگران سایر بخش های صنعتی و خدماتی ایران این پیام را جدی گرفته و هر چه کوشاتر از قبل در جهت ایجاد تشکل های خودشان گام های مؤثرتری بر دارند تا از بهم پیوستن آنها تشکل سراسری نوده ای-طبقاتی کارگران بوجود آید.

اما امروزه در ایران، خواست ایجاد تشکل فقط خواستی مختص به طبقه کارگر نیست. هر چند که پر واضح است که بعلت نقش طبقه کارگر در تولید و توزیع نعم مادی و معنوی جامعه و بدین دلیل نقش طبقاتی اش در مبارزه بر علیه وضعیت موجود، تشکلات توده ای طبقاتی اش از اهمیت ویژه ای برخوردارند. بلکه خواستی است عمومی در سطح همه طبقات و اقشار زحمتکش و تحت ستم و مترقی که در آن کشور زندگی و کار می کنند. ایجاد تشکلات توده ای- طبقاتی کارگری به نیروی کارگران و تحمیل آن به دولت های سرمایه داری، خواستی است تاریخی و تعیین کننده نه فقط برای بر آوردن سایر خواست های روزمره کارگران بلکه مسئله ای است که با تحقق آن راه برای بر آورده شدن سایر خواست های تلنبار شده در جامعه ایران مانند آزادیها و حقوق دموکراتیک از جمله آزادی بیان، آزادی اجتماع، آزادی احزاب، آزادی پوشش، حقوق برابر با مردان برای زنان در مقابل کار برابری و آزادی تشکل برای سایر جنبش های اجتماعی مترقی و آزادیخواه و غیره هموار می شود. این آن گره اصلی است که می تواند سایر جنبش های اجتماعی مانند جنبش دانشجویی و زنان را در عمل به این نتیجه برساند که باید به گرد طبقه کارگر جمع شوند و از این طریق است که هم طبقه کارگر و هم سایر اقشار تحت ستم سرمایه داری به خواست های دموکراتیک و روزمره خود خواهند رسید و با ادامه مبارزه متحدانه و با یک استراتژی و سیاست کارگر محور و تشکیل حزب سوسیالیست کارگران که از دورن مبارزه طبقاتی موجود در جامعه سرچشمه گرفته باشد، قادر هستند طبقه حاکمه سرمایه دار و رژیم ددمنش اسلامی اش را به عقب رانده و در نهایت با سرنگونی آن، جامعه ایران را به سوی جامعه ای که در آن شرط شکوفا شدن استعدادهای هر فرد به شرط پیشرفت و شکوفا شدن استعداد های همگانی بدل گردد، سوق دهند. برای رهائی از ظلم و ستم، فقر و نکبت، استعمار و بربریت موجود تحمیل شده سرمایه ، شایسته است که از مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه که اکنون شعله وراست و سایر مبارزات کارگری در ایران با هر چه که در توان داریم به حمایت و پشتیبانی برخیزیم.